خراسان روزنامه صبح ایران
پنج شنبه ۲۵ آبان ۱۳۹۶ . ۲۷ صفر ۱۴۳۹ . شماره ۱۹۶۸۵

تقریرات علامه از درس بعضی از استادان هنوز منتشر نشده است

به گزارش ایبنا، محمدحسین قدوسی، نوه علامه طباطبایی، با اشاره به این موضوع که تقریرات علامه از درس بعضی از استادان خود، هنوز منتشر نشده است، گفت: با وجود تلاش فراوان فرزند ارشد علامه، مرحوم مهندس عبدالباقی طباطبایی برای انتشار این تقریرات، هنوز این مهم به انجام نرسیده است و متأسفانه، هم اکنون نیز شرایط برای انتشار آن ها، فراهم نیست.

جان جهان زپیکر هستی جدا شده هنگامه عروج رسول خدا (ص) شده

جواد نوائیان رودسری
info@khorasannews.com

«پدر و مادرم فدایت باد، با رحلت تو رشته‌ای برید که در وفات جز تو، کس چنان ندید؛ پایان یافتن دعوت پیامبران و بریدن خبرهای آسمان؛ چنان که پروازت به سوی ملکوت، دیگر مصیبت زدگان را به شکیبایی واداشت و همگان را در سوگی یکسان گذاشت و اگر نه این است که به شکیبایی امر فرمودی و از بیتابی نهی کردی، اشک دیده را با گریستن بر تو به پایان می رساندیم و درد، همچنان بی درمان می ماند و رنج و اندوه، هم سوگند جان. این زاری و بی قراری در فقدان تو اندک است، اما مرگ را باز نتوان گرداند و نه کس را از آن توان رهاند. پدر و مادرم فدایت، ما را در پیشگاه پروردگارت به یاد آر و در خاطر خود نگاه دار.» (نهج البلاغه؛ خطبه ۲۳۵) به راستی که در بیان سوگ رحلت جانگداز خیر البشر، جز به کلام وصی او نمی توان تأسی کرد. چه کسی می تواند سنگینی فراق بهترین خلایق را، جز امیر مؤمنان، علی(ع) بیان کند؛ همو که برترین و بهترین پرورش یافته مکتب رسول خدا(ص) بود. در آن لحظات غم‌فزا، در آن هنگامه جانگداز، در آن پیچ تند تاریخی که مسلمانان باید در آزمونی سخت و نفس گیر شرکت می کردند، هیچ کس به اندازه علی(ع)، فقدان محبوب خویش را احساس نمی کرد.

■ **شدت گرفتن بیماری پیامبر(ص)**

بیماری پیامبر اکرم(ص)، شدت گرفته بود. بدن رسول مهربانی ها در آتش تب می سوخت؛ لحظه وداع با این جهان و دیدار معبود، هر لحظه نزدیک تر می‌شد؛ لحظه وصلی که او، مشتاقانه انتظارش را می کشید؛ اما اخباری که از گوشه و کنار به اطلاع رسول خدا(ص) می رسید، آن حضرت را نگران می کرد. هنوز مدت زیادی از بیعت مسلمانان با علی(ع) در «غدیر خُم» نگذشته بود و نگرانی از نحوه تبعیت مسلمانان از امیر مؤمنان(ع)، در گفتار و رفتار پیامبر رحمت به چشم می خورد. افزون بر این، برای رسول خدا(ص) خبر آور دند که در «یمامه»، منطقه‌ای در شرق عربستان، فردی به نام «مسیلمه» ادعای نبوت کرده‌است. او با نگارش نامه‌ای به پیامبر خدا(ص)، مدعی شده‌بود که در امر نبوت با آن حضرت شریک است. «مسیلمه» که ۱۰ سال پس از هجرت، به مدینه آمده و اسلام آورده بود، حالا، با سوءاستفاده از اختلافات قبیله‌ای باقی مانده از دوره جاهلیت، می خواست برای خود جایگاهی دست و پا کند و با استفاده از موقعیتی که به علت بیماری رسول خدا(ص) پیش آمده، نیت شوم خود را، برای گمراه کردن ساده‌لوحان و دنیا دوستان، عملی کند. با این حال، «مسیلمه» تنها مدعی دروغینی نبود که حکومت نوپای اسلام و ایمان تازه مسلمانان را تهدید می کرد؛ در جنوب عربستان و در سرزمین یمن نیز، «اسود عَنَسی» همین ادعا را داشت.

■ **نگرانی از اقدامات رومیان**

اما نگرانی های پیامبر خدا(ص) به این ها خلاصه نمی شد. خطری بزرگ از جانب شمال، حکومت اسلامی را تهدید می کرد. گزارش های رسیده حاکی از آن بود که رومیان، در مرزهای سرزمین های اسلامی دست به تحرکاتی زده‌اند. آن ها که خود را زعیم جهان مسیحیت می دانستند، از پیوستن مسیحیان نجران به حکومت اسلامی، سخت آزرده خاطر شده و به همین دلیل، در پی محدود کردن نفوذ قدرت و تفکر اسلامی بودند. پیامبر اکرم(ص) از جانب رومیان احساس خطر می کرد. آن حضرت می دانست که پس از پیروزی روم بر ایران، توجه امپراتور به سوی مرزهای عربستان جلب شده است. مسلمانان یک بار در جنگ موته، با سپاهیان رومی روبه‌رو شده بودند؛ جنگی سخت و سنگین که با شکست و عقب نشینی مسلمانان به پایان رسید و در آن، تعدادی از اصحاب نامدار پیامبر خدا(ص)، مانند «زید بن حارثه»، پسر خوانده حضرت، «جعفر بن ابوطالب»، برادر امیر مؤمنان(ع) و نیز، «عبدا... بن رواحه»، به شهادت رسیده‌بودند. به همین دلیل، رسول خدا(ص) در ماه‌های رجب و شعبان سال نهم هجری، در آخرین غزوه خود، «تبوک»، در رأس یک ارتش ۳۰ هزار نفری از مسلمانان، به طرف مرزهای روم حرکت کرد تا مانع گسترش نفوذ و حملات پراکنده رومیان به سرزمین های اسلامی شود؛ غزوه‌ای که جنگی در پی نداشت، اما باعث عقب نشینی موقت رومیان و کاهش دست اندازی های آن ها به سرزمین های اسلامی شد.

■ **آخرین تدارک سپاه**

پیامبر اکرم(ص)، پس از بازگشت از حجة الوداع، در صدد بود تا سپاه انبوهی، مرکب از مهاجرین، انصار و تازه مسلمانان تشکیل دهد و به سوی مرزهای روم بفرستد؛ هر چند این مهم، با آغاز بیماری آن حضرت، به تأخیر افتاد؛ اما پیامبر اکرم(ص)، لحظه‌ای از اندیشیدن به مسئله مرزهای شمالی سرزمین اسلامی، غافل نبود؛ به همین دلیل و با وجود بیماری و ضعف جسمانی، «اسامه» پسر «زید بن حارثه» را که جوانی ۱۹ ساله بود، به نزد خود فرا خواند؛ با دست مبارک کش پرچمی برای او بست و صحابه کبار را به مشارکت در سپاه اسامه دعوت فرمود. اردوی سپاه اسلام، در «جُرف»، جایی بیرون از مدینه و مسیر شام، برپا شد. پیامبر خدا(ص) به این نیز اکتفا نکرد و خطاب به اسامه، در حالی که بزرگان اصحاب، آن حضرت را احاطه کرده بودند، فرمود: «به نام خدا و در راه خدا نبرد کن، با دشمنان خدا بجنگ و صبحگاهان بر اُبنا[منطقه‌ای در سرزمین سوریه امروزی] بتاز و این مسافت را چنان سریع طی کن که پیش از آن که خبر حرکت تو به آن جا برسد، خود و سربازانت به آن جا رسیده باشی.»

■ **ناخشنودی پیامبر(ص) از تعلل برخی اصحاب**

برخی از اصحاب، از انتخاب اسامه خشنود نبودند. آن ها که در مجاهدت، سوابقی داشتند و در غزوات، رسول خدا(ص) را همراهی کرده بودند، نمی توانستند فرماندهی جوانی نوخاسته را بپذیرند. با این حال، پیامبر اکرم(ص) به طعنه ها و انتقادات آن ها، توجهی نکرد و مسلمانان را ملزم به شرکت در سپاه اسامه و نبرد با رومیان کرد. در این میان، بیماری پیامبر خدا(ص) شدت گرفت. اخباری که درباره تخلف و تردید برخی از اصحاب، برای شرکت در سپاه اسامه به آن حضرت می رسید، پیامبر(ص) را واداشت تا با وجود ضعف جسمانی و مستولی شدن بیماری بر بدن مطهرش، راه مسجد را در پیش بگیرد و با مسلمانان سخن بگوید: «ها ای مردم! من از تأخیر حرکت سپاه اسامه نارا حتم. گویا فرماندهی اسامه بر گروهی از شما گران آمده است و زبان به انتقاد گشوده‌اید؛ ولی اعتراض و سرپیچی شما تازگی ندارد. قبلاً از فرماندهی پدر او، زید، انتقاد می کردید. به خدا سوگند، هم پدر او شایسته این منصب بود و هم فرزندش برای این مقام لایق و شایسته است.» پیامبر اکرم(ص) از ناخشنودی خود سخن می گفت، اما گروهی از اصحاب خیالات دیگری در سر می پروراندند.

بیماری شدید پیامبر(ص)، احتمال رحلت را هر لحظه بیشتر می کرد و این، برای برخی، زمانی مناسب و حساس برای پیگیری اهداف و نقشه هایشان بود. با وجود این و در پی اصرار رسول خدا(ص) بر حرکت سپاه اسامه، جمع زیادی از اصحاب، حتی آن ها که مخالف فرماندهی اسامه بودند، مدینه را به مقصد «جُرف» ترک کردند، اما در این منطقه منتظر ماندند تا اخباری که منتظر شنیدنش بودند، برسد.

■ **نیمه‌های شب در بقیع**

سه روز پس از راهی کردن سپاه اسامه به «جُرف»، حال پیامبر(ص) اندکی بهبود یافت، اما این امر، موقتی بود. شب هنگام، دوباره آثار تب در چهره رسول حق(ص) آشکار شد؛ اما انگار کاری باقی مانده بود که باید انجام می داد؛ نیمه‌های شب، علی(ع) را نزد خود طلبید؛ به او لبخندی زد و فرمود: «دستم را بگیر و مرا تا بقیع همراهی کن.» امیر مؤمنان(ع)، رسول خدا(ص) را تا بقیع همراهی کرد. این آخرین بار بود که بقیع صدای گام‌های رسول مهربانی ها را می‌شنید. پیامبر اکرم(ص)، با تنی تب دار و صدایی که آثار ضعف در آن نمایان بود، رو به جانب قبور بقیع کرد و فرمود: «سلام من بر شما! ای کسانی که زیر این خاک‌ها آرمیده‌اید. حالتی که در آن قرار دارید، بر شما خوش و گوارا باد. فتنه‌ها مانند پاره‌های شب تاریک، روی آورده و یکی به دیگری پیوسته است.» آن گاه کلام خود را قطع کرد؛ به امیر المؤمنین(ع) که با چشمانی مضطرب نظاره گر و شنونده کلام رسول خدا(ص) بود، نگاهی کرد و سپس دوباره به سوی بقیع نگریست و برای افراد مدفون در آن، طلب مغفرت کرد.

■ **آخرین کلام با فاطمه(س)**

در سکوت پر اندوه منزل پیامبر خدا(ص)، فاطمه(س)، دختر بزرگوارش بر بالین پدر نشسته بود، پیشانی او را نوازش می کرد و با صدایی غمگین و گرفته می خواند: «وابیض یستسقی الغمام بوجهه / ثمال الیتامی عصمة للارامل؛ چهره روشنی که به احترام آن، باران از ابر درخواست می شود / شخصیتی که پناهگاه یتیمان و نگهبان بیوه زنان است.» با شنیدن این شعر، پیامبر(ص) چشمان خود را گشود و به چهره دختر دلبندش نگریست؛ آن گاه لبخندی زد و فرمود: «این شعری است که ابوطالب درباره من سروده است؛ اما دخترم! سزاوار است به جای آن، این آیه را تلاوت کنی: وَ ما مُحَمَّدٌ إِلاّ رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ ماتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلى أَعْقابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلى عَقِبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللّهَ شَيْئاً وَ سَيَجْزِي اللّهُ الشّاكِرينَ؛ و محمد، جز فرستاده‌ای که پیش از او [هم] پیامبرانی [آمده و] گذشتند، نیست. آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، از عقیده خود برمی گردید؟ و هر کس از عقیده خود باز گردد، هرگز هیچ زیانی به خدا نمی رساند، و به زودی خداوند سپاسگزاران را پاداش می‌دهد.» (آل عمران-۱۴۴) رسول رحمت، طاقت مشاهده اندوه فاطمه(س) را نداشت؛ باید برای فرزند دلبندش رازی را آشکار می کرد؛ رازی که از اندوه او بکاهد و فراق پدر را برایش قابل تحمل تر کند؛ به همین دلیل، به فاطمه(س) اشاره کرد تا نزدیک تر بیاید و در گوش دخترش چیزی گفت. حاضران دیدند که ناگاه دختر گرامی رسول خدا(ص) منقلب شد و به سختی گریست. پیامبر(ص) بلافاصله دخترش را پیش خواند و دوباره کلماتی را در گوش او نجوا کرد؛ این بار اما، در چهره فاطمه(س) آثار شادی و خوشحالی آشکار شد. بعد از رحلت پیامبر(ص)، وقتی از فاطمه(س) درباره گفت و گوی رسول خدا(ص) با وی، در آخرین لحظات حیات پرسیدند، فرمود که بار اول، پیامبر خدا(ص) خبر رحلت قریب الوقوع خود را به من داد، اما در بار دوم، فرمود که من، زودتر از سایر اهل بیتش، به او ملحق خواهم شد. نیمروز دوشنبه، ۲۸ ماه صفر، فرا رسید. آثار احتضار در چهره مبارک حضرت ختمی مرتبت(ص) آشکار شد. در این لحظات، او سر بر سینه امیر المؤمنین(ع) نهاده بود و در همان حال، روح ملکوتی اش به سوی پروردگار عروج کرد.

مناسبت

۳ ویژگی همنشین در کلام امام حسن مجتبی (ع)

بی تردید، روایاتی که از معصومین(ع) به دست ما رسیده، راهنمای همه انسان ها برای پیمودن صحیح راه زندگی است. این احادیث، همچون گوهر شب چراغ، می تواند در تاریکی و ظلمت این جهان که در آن انسان از هر سو، آماج تیرهای جهالت و هواهای نفسانی است، راه را از بیراهه نشان دهد و بشر را به سرمنزل سعادت و خوشبختی در دو جهان برساند. به مناسبت سالروز شهادت جانگداز سبط اکبر، حضرت امام حسن مجتبی(ع)، تعدادی از احادیث نقل شده از آن حضرت را که از سوی خبرگزاری حوزه منتشر شده است، به شما خوانندگان عزیز تقدیم می کنیم.

■ **بخشندگی چگونه تباه می شود؟**

مَنْ عَدَّدَ نِعَمَهُ مَحَقَ كَرَمَهُ.

امام مجتبی علیه السلام می فرماید: هر کس احسان های خود را برشمرد، بخشندگی خود را تباه کرده است. (نزهة الناظر و تنبیه الخاطر، ص: ۷۱)

■ **سعی کن چنین شخصی تو را نشناسد**

إِذَا سَمِعْتَ أَحَداً يَتَنَاوَلُ أَعْرَاضَ النَّاسِ، فَاجْتَهِدْ أَنْ لَا يَعْرِفَكَ فَإِنَّ أَشْقَى الْأَعْرَاضِ [بِهِ] مَعَارِفُهُ.

امام مجتبی علیهِ السلام می فرماید: هر گاه شنیدی شخصی آبروی مردم را می ریزد، بکوش تا تو را نشناسد. (نزهة الناظر و تنبیه الخاطر، ص: ۷۶)

■ **دخترت را به ازدواج چنین شخصی درآور**

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى الْحَسَنِ(ع) يَسْتَشِيرُهُ فِي تَزْوِيجِ ابْنَتِهِ فَقَالَ زَوِّجْهَا مِنْ رَجُلٍ تَقِيٍّ فَإِنَّهُ إِنْ أَحَبَّهَا أَكْرَمَهَا وَ إِنْ أَبْغَضَهَا لَمْ يَظْلِمْهَا.

مردی خدمت امام حسن مجتبی علیه السلام آمد تا درباره ازدواج دخترش با ایشان مشورت کند. آن حضرت فرمود: دخترت را به ازدواج مردی با تقوا درآور؛ زیرا اگر دخترت را دوست داشته باشد، گرامی اش می دارد و اگر دوستش نداشته باشد، به او ظلم نمی کند.

■ **چرا از وضعیت خود راضی نیستیم؟**

مَنِ اتَّكَلَ عَلَى حُسْنِ الِاخْتِيَارِ مِنَ اللَّهِ لَهُ لَمْ يَتَمَنَّ [يتمنّ] أَنَّهُ فِي غَيْرِ الْحَالِ الَّتِي اخْتَارَهَا اللَّهُ لَهُ.

امام حسن علیه السلام می فرماید: کسی که بر نیکْ گزینی خداوند پشت گرم باشد، آرزو نمی کند در وضعی جز آن که خدا برایش اختیار فرموده است، قرار گیرد. (مکارم الأخلاق، ص: ۲۰۴)

■ **ویژگی‌های همنشین**

سَأَلَهُ رَجُلٌ أَنْ يُخِيلَهُ قَالَ (ع) إِيَّاكَ أَنْ تَمْدَحَنِي فَأَنَا أَعْلَمُ بِنَفْسِي مِنْكَ أَوْ تَكْذِبَنِي فَإِنَّهُ لَا رَأْيَ لِمَكْذُوبٍ أَوْ تَغْتَابَ عِنْدِي أَحَداً فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ ائْذَنْ لِي فِي الِانْصِرَافِ فَقَالَ (ع) نَعَمْ إِذَا شِئْتَ.

مردی از امام حسن علیه السلام خواست که دوست و همنشین وی باشد، آن حضرت سه شرط را برای قبول این پیشنهاد تعیین کرد و فرمود: [نخست آن که] برحذر باش از این که از من ستایش و تعریف کنی؛ زیرا من نسبت به خودم از تو آگاه ترم؛ [دوم این که] مرا دروغگو ندانی؛ زیرا دروغگو رأی و عقیده درستی ندارد و [سوم این که] مبادا در برابر من از کسی غیبت کنی. آن مرد وقتی شرایط دوستی با امام مجتبی(ع) را دشوار دید، گفت: به من اجازه انصراف می دهید؟ حضرت فرمود: بله؛ اگر خواسته باشی. (تحف العقول، النص، ص: ۲۳۶)

سخن اندیشه

اخلاق نبوی؛ راهگشای برترین زندگی اجتماعی

حجت الاسلام والمسلمین کاظم لطفیان
مدیر کل تبلیغات اسلامی خراسان رضوی

زندگی پرفراز و نشیب پیامبر اعظم(ص) منظومه ای جامع و درخشان است که در آن همه زیبایی ها تجلی یافته و برای بهره مندی در جامعه منعکس شده است. قرآن مجید خطاب به مسلمانان می فرماید: «لَقَدْ جاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيهِ ما عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيكُمْ بِالْمُؤمِنينَ رَؤُفٌ رَحيمٌ؛ رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنج های شما بر او سخت و ناگوار است، و بر هدایت شما پافشاری، و اصرار دارد بر هدایت مؤمنان، و او بسیار با محبت و مهربان است.» (توبه، ۱۲۸) در آیه دیگر می فرماید: «و ما ارسلناک الا رحمه للعالمین» (انبیا، ۱۰۷) تجلی رحمت، در واقع همان دلسوزی بی قید و شرط پیامبر اکرم(ص) است که بسیاری از اوقات، به صورت یک جانبه از سوی ایشان به آحاد مردم و حتی دشمنان اسلام عرضه شده است. رحمت، دوست داشتنی یک طرفه است، بدون این که محبت کننده توقعی داشته باشد. رحمت، جاده‌ای یک طرفه است که صاحب آن، چشم به واقعیت های رفتاری طرف مقابل می بندد. اما مودّت، حاصل تلاشی دو سویه است. مودّت ممکن است همراه با چشمداشت باشد؛ ولی رحمت، بدون چشمداشت صورت می گیرد. بنابراین، رسول خدا(ص) هر آن چه برای بشریت انجام داده، بدون هیچ چشمداشتی است و این، همان ویژگی مهمی است که در زندگی انسان امروزی، رنگ باخته است. به راستی چرا در فرهنگ عمومی ما این باورها رایج شده است که باید « به یکدیگر نان به قرض بدهیم»؟ چرا معتقد شده‌ایم که« کوه به کوه نمی رسد، اما آدم به آدم می رسد» و « گذر پوست به دباغ خانه خواهد افتاد»؟! این ضرب المثل ها، با آداب مسلمانی در تعارض است؛ چرا که در پس ظاهر فریبنده آن ها، کوله باری از کینه و نفرت موج می زند که با آموزه های اسلامی در تعارض جدی است. امیر المؤمنین علیه السلام، در توصیف شخصیت پیامبر خدا(ص) می فرماید: «پیامبر اکرم صلی ا... علیه و آله، سخاوتمندترین مردم، شجاع ترین آن ها، راستگوترین آن ها و وفادارترین نسبت به وعده، نرم خوترین و بزرگوارترین مردم در برخورد و معاشرت بود. هر کس در آغاز ایشان را می دید از [هیبت] او دوری می کرد، و آن گاه که با او همراه می شد و او را می شناخت، به او علاقه مند می شد و سخت به او محبت می ورزید، به گونه ای که روزگار مثل او قبل از آن و بعد از آن ندیده بود.» (بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۹۰) امام علی(ع)، در بیانی دیگر، چند ویژگی ممتاز رسول خدا(ص) را تبیین می کند و درباره آن ها می فرماید: «قد ترک نفسه من ثلاث: المراء و الاکثار و ما لایعنیه؛ [رسول خدا(ص)] سه چیز را از خود رهانیده بود: مراء (بگو مگوهای بی ثمر)، پرگویی و دخالت در کاری که به او مربوط نبود.» (دلایل النبوه، ج ۱، ص ۲۹۰) همچنین می فرماید: «و ترک النّاس من ثلاث کان لایذمّ احداً و لا یعیّره و لایطلب عثراته و لاعورته؛ [آن حضرت] سه چیز را در مورد مردم از خود دور کرده بود: از کسی بدگویی نمی کرد، کسی را سرزنش نمی فرمود و لغزش ها و عیوب پنهانی مردم را جست وجو نمی کرد.» به راستی، اگر به پیامبرمان که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد، تأسی کنیم و از این صفات مذموم دوری گزینیم، دنیای بهتر و زندگی بسیار آرام تری خواهیم داشت. بی تردید، این ها درس های مهم و تأثیر گذار است که می توان از سیره رسول خدا(ص) فرا گرفت و آن را در همه شئون زندگی به کار بست.

نگاهی متفاوت و طنز به اخبار کشور در ستون رادیو الآن
هر روز در صفحه «همشهری سلام»

شماره بایگانی شعبه: ۹۶۰۶۱۰ آگهی ابلاغ وقت دادرسی به خوانده
کلاسه پرونده ۱۲/۹۶۰۶۱۰ رسیدگی ۱۳۹۶/۱۰/۰۲ ساعت ۸
خواهان آقای اسعد دارابی هدایت‌آباد خواندگان ۱- آقای مهدی فخرالسادات فرزند غلامرضا ۲- آقای حسین داودی تائی فرزند غلامعلی خواسته: الزام به تنظیم سند رسمی ملک» اتهات وقوع عقد بیع» مطالبه خسارت دادرسی به این وسیله اخلام می گردد خواهان دادخواستی تسلیم دادگاه‌های عمومی مشهد نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۱۴ دادگاه عمومی ارجاع گردیده که به شماره ۱۲/۹۶۰۶۱۰ ثبت و وقت رسیدگی فوق تعیین گردیده است لذا به علت مجهول المکان بودن خواندگان و به درخواست خواهان و دستور دادگاه و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار اگهی می شود تا خواندگان از تاریخ نشر اگهی ظرف یک ماه به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دادخواست و ضمائم را دریافت نمایند و در وقت مقرر بالا جهت رسیدگی حضور بهم رسانند چنانچه بعداً ابلاغی لازم شود فقط یک نوبت منتشر و مدت آن ده روز خواهد بود م الف ۴۲۹۹۳ منشی شعبه ۱۴ دادگاه عمومی و حقوقی مشهد- جمیل حکیمی
۹۶۱۷۳۵۲۷/

شماره بایگانی شعبه: ۹۵۰۰۶۸۳ آگهی ابلاغ اجرائیه
آقای/خانم بیرو آگهی‌های منتشره قبلی در خصوص دعوی موسسه مالی کوثر بشهادتی به وکالت حمید ذات مقدم به خواسته مقدار نسبت به دادخانه شماره ۹۵۰۹۹۷۷۵۸۰۷۰۰۱۱۶۶ در پرونده ۱۲/۹۵۰۶۶۴ محکوم علیه محکوم است به حضور در یکی از دفاتر اسناد رسمی و تنظیم سند رسمی زمین گاراژ در قطعه ۲۵ متری داخلی پلاک ۸۱۱ فرعی مجزا شده از ۱۸۹ فرعی از ۱۸۳ اصلی بخش ۱۰ مشهد و اخاره نامه تنظیم مورخ ۸ خرداد ۱۳۹۲ در خصوص گاراژ در حق محکوم له. لهم لذا مراتب فوق طبق مواد ۹ و ۱۱۸ و ۱۱۹ قانون اجرای احکام مدنی یک نوبت در روزنامه محلی درج می گردد این اجرائیه ده روز پس از انتشار به موقع اجرا گذارده خواهد شد. پس از این برای عملیات اجرائی ابلاغ یا اخطار دیگری به شما نخواهد شد مگر اینکه محل اقامت خود را کتبا به دفتر اجرا اعلام نمایید. م الف ۴۲۹۹۷
مدیر دفتر شعبه ۱۴ ۵۷۰/۱۴ سابق) حاجی پور
۹۶۱۷۳۵۰۴/

شماره بایگانی شعبه: ۹۶۰۲۹۵ آگهی ابلاغ وقت دادرسی به خوانده
خواهان مهدی نظیف دادخواستی به طرفیت خوانده غلامرضا کمالی باژه به خواسته مطالبه وجه تقدیم شورای حل اختلاف شهرستان مشهد تعوده که جهت رسیدگی به شعبه یک شورای حل اختلاف مجتمع شماره یک شهرستان مشهد واقع در مشهد-ابتدای خیابان خواجه ربیع- روبه‌روی آبنا عبادی ۸ ارجاع و به کلاسه ۹۶۰۲۹۵ ثبت گردیده، که وقت رسیدگی ان مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۰۹ ساعت ۹ تعیین شده است. به علت مجهول المکان بودن خوانده و درخواست خواهان و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار اگهی می‌شود تا خوانده ظرف یک ماه پس از نشر اگهی و اطلاع دادگستری طرفیه با حضور نماینده دادستان محترم به فروش برسد مزایده از قیمت ارزیابی شده شروع و در مرحله دوم چنانچه خریداری باشد تا بیست درصد زیر قیمت فروخته خواهد شد و حداقل ده درصد از بهای آن نقدا و فی المجلس و مابقی حداکثر ظرف یک ماه از برنده مزایده وصول می گردد. طالبین می توانند ظرف پنج روز قبل از موعد مزایده به این اجرا مراجعه تا نسبت به بازدید آنان از اموال مورد مزایده اقدام گردد. ضمنا در مرحله دوم مزایده از برنده وصول خواهد شد هزینه‌های تنظیم سند و نقل و انتقال بالانسابه و بدهی‌های معوقه به عهده فروشنده و تخلیه تابع مقررات قانونی بوده و از تباطی به این اجرا ندارد شرح اموال مورد مزایده/ ۲۲۴/۳ هزارم یک دانگ مشاع از ۱۵/۱ دانگ مشاع (مالکیت مصالحه علیه) از شش دانگ عرصه و اعیان یک باب گاراخانه سنگ‌بری به پلاک ثبتی شماره ۲۰۶ فرعی از ۱۷۶ اصلی ابراهیم‌آباد بخش ۱۰ مشهد واقع در مشهد انتهای بلوار آزادی ۱۱۳ گاراخانه سنگ‌بری نبوت، مساحت زمین پس از عقب‌نشینی ۱۰ متری در بست خیابان در حد ۱۳۷۵ متر مربع و به صورت محصور است. مستحدثات ملک شامل سوله صنعتی با دهنه ۲۰ متر و طول ۳۶ متر و ارتفاع ۸/۵ متر و با مساحت ۷۲۰ متر مربع است و قسمت وسط زمین سوله سنتی با دهانه ۱۰ متر و طول ۱۰ ساعته ۱۲۸ متر مربع است. در قسمت جلو زمین ساختمان مدیریت با زیربنای حدود ۱۲۵ متر مربع و به صورت ۲ طبقه شامل همکف و اول و نمای سنگ دارای اتاق‌های اداری و سرویس بهداشتی و ایدارخانه با کف سنگ و دیوار نقاشی شده و کولرهای گازی است. در قسمت عقب زمین یک باب ساختمان انباری با دیوار جرزیر و سقف سبک و مساحت حدود ۱۲۵ متر مربع است. ساختمان دارای امتیازات اب و تلفن و گاز و برق می باشد. لذا با توجه به جمیع موارد مذکور کل مشتاقانه آن توسط کارشناس رسمی دادگستری جمعا به مبلغ ۲۳/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و یک و نیم دانگ محکوم علیه نیز به مبلغ ۱/۳۷۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده و از طریق مزایده به فروش می‌رسد. جلسه اول مزایده ساعت ۱۲:۱۵ الی ۱۲:۴۵ صبح در محل مجتمع قضایی اجرای احکام مدنی مشهد واحد مزایده واقع در مشهد بلوار قرنی بین قرنی ۲۲ و ۲۴ و ۲۲ و ۲۴ از طریق مزایده حضوری به فروش برسد مزایده از قیمت ارزیابی شده شروع و به کسانی که بالاترین قیمت را پیشنهاد نمایند واگذار خواهد شد. طالبین می توانند ظرف پنج روز قبل از برگزاری مزایده به این اجرا مراجعه تا نسبت به بازدید آنان از اموال مورد مزایده اقدام گردد ضمنا حداقل ۱۰٪ از بهای مورد مزایده نقدا و فی المجلس از برنده وصول خواهد شد هزینه‌های تنظیم سند و نقل و انتقال بالانسابه و بدهی‌های معوقه به عهده فروشنده و تخلیه تابع مقررات قانونی بوده و از تباطی به این اجرا ندارد. شرح اموال مورد مزایده/ ۲۲۴/۳ هزارم یک دانگ مشاع از ۱۵/۱ دانگ مشاع (مالکیت مصالحه علیه) از ششدانگ عرصه و اعیان یک باب گاراخانه سنگ‌بری به پلاک ثبتی شماره ۲۰۶ فرعی از ۱۷۶ اصلی ابراهیم‌آباد بخش ۱۰ مشهد واقع در مشهد انتهای بلوار آزادی ۱۱۳ گاراخانه سنگ‌بری نبوت، مساحت زمین پس از عقب‌نشینی ۱۰ متری در بست خیابان در حد ۱۳۷۵ متر مربع و به صورت محصور است. مستحدثات ملک شامل سوله صنعتی با دهنه ۲۰ متر و طول ۳۶ متر و ارتفاع ۸/۵ متر و با مساحت ۷۲۰ متر مربع است و قسمت وسط زمین سوله سنتی با دهانه ۱۰ متر و طول ۱۰ ساعته ۱۲۸ متر مربع است. در قسمت جلو زمین ساختمان مدیریت با زیربنای حدود ۱۲۵ متر مربع و به صورت ۲ طبقه شامل همکف و اول و نمای سنگ دارای اتاق‌های اداری و سرویس بهداشتی و ایدارخانه با کف سنگ و دیوار نقاشی شده و کولرهای گازی است. در قسمت عقب زمین یک باب ساختمان انباری با دیوار جرزیر و سقف سبک و مساحت حدود ۱۲۵ متر مربع است. ساختمان دارای امتیازات اب و تلفن و گاز و برق می باشد. لذا با توجه به جمیع موارد مذکور کل مشتاقانه آن توسط کارشناس رسمی دادگستری جمعا به مبلغ ۲۳/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و یک و نیم دانگ محکوم علیه نیز به مبلغ ۱/۳۷۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده و از طریق مزایده به فروش می‌رسد. جلسه اول مزایده ساعت ۱۲:۱۵ الی ۱۲:۴۵ صبح در محل مجتمع قضایی اجرای احکام مدنی مشهد واحد مزایده واقع در مشهد بلوار قرنی بین قرنی ۲۲ و ۲۴ و ۲۲ و ۲۴ از طریق مزایده حضوری به فروش برسد مزایده از قیمت ارزیابی شده شروع و به کسانی که بالاترین قیمت را پیشنهاد نمایند واگذار خواهد شد. طالبین می توانند ظرف پنج روز قبل از برگزاری مزایده به این اجرا مراجعه تا نسبت به بازدید آنان از اموال مورد مزایده اقدام گردد ضمنا حداقل ۱۰٪ از بهای مورد مزایده نقدا و فی المجلس از برنده وصول خواهد شد هزینه‌های تنظیم سند و نقل و انتقال بالانسابه و بدهی‌های معوقه به عهده فروشنده و تخلیه تابع مقررات قانونی بوده و از تباطی به این اجرا ندارد. شرح اموال مورد مزایده/ ۸۷/۹۰۱ هزارم یک دانگ مشاع از یک و نیم دانگ مشاع مالکیت خانم مهین وطنی از ششدانگ پلاک ثبتی ۲۰۲۸ فرعی اصلی بخش ۹ مشهد واقع در ایث/ عبادی ۶۲ پلاک ۵۷. منزل مسکونی مقدار با ۹۴/۵ مترمربع عرصه موقوفه استان قدس و استیجاری و دارای ۶۲ مترمربع اعیان در طبقه همکف و ۶۳ مترمربع اعیان در طبقه اول با قدمت بیش از سی سال. منزل مورد نظر دارای مساحت مجموع حدود ۱۲۸ مترمربع اعیان می‌باشد. دارای یک اتاق خواب و انبار خانه و سرویس بهداشتی که با مصالح آجر و سقف تیراهنی احداث شده است. ممر دسترسی از شمال کوچه ۱۲ متری می‌باشد با نمای سنگ و سیمانی و غرب و پنجره فلزی و الشعابات لازم می‌باشد که بالتوجه به جمیع موارد گفتار شدهانک آن توسط کارشناس ۱۸۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده که از این مقدار به میزان فوق‌الذکر و در قبال مبلغ ۲۶/۳۹۴/۲۲۰ ریال از طریق مزایده به فروش می‌رسد ۱۰/۵ دانگ مشاع (مالکیت خانم مهین وطنی) از ششدانگ پلاک ثبتی ۷۰۲۸ فرعی اصلی بخش ۱۰ مشهد با مشخصات ذکرشده در بند قبل و در قبال مبلغ ۴۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و از طریق مزایده به فروش می‌رسد م الف ۴۰۷۴۷ مدیر واحد مزایده مجتمع قضایی اجرای احکام مدنی- سید محمدرضا تشنگر
۹۶۱۶۸۵۴۱/

شماره بایگانی شعبه: ۹۵۰۰۲۸۴ آگهی ابلاغ اجرائیه
آقای/خانم بیرو آگهی‌های منتشره قبلی در خصوص دعوی موسسه مالی کوثر به طرفیت کبری صنعی مسگران به خواسته مطالبه وجه تسلیت به دادخانه شماره ۹۵۰۹۹۷۷۵۸۰۷۰۰۰۸۲۵ در پرونده ۱۲/۹۵۰۲۸۴ محکوم علیهم متضامنا محکوم هستند به پرداخت مبلغ دویست و بیست میلیون ریال اصل بدهی و وجه التزام معادل ۳۶ درصد نسبت مانده بدهی از تاریخ تقدیم دادخواست تا تسویه حساب کامل و پرداخت مبلغ ۱۳۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال هزینه دادرسی و هزینه کارشناسی ۴۰۰۰۰ و تعرفه خدمات ۳۴۲۰۰۰ ریال و حق الوکاله در حق وکیله له. لهم لذا م